

نقد کتاب

رامین جهان‌پور

نگاهی به رمان «غنیمت»

تعییل در پایان‌بندی



به‌عنوان خبرنگار فعالیت داشت با دیدن تصویر دختری مجروح که از صفحه تلویزیون می‌بیند از این رو به آن رو می‌شود و به هم می‌ریزد، او مطمئن است که دچار خطای دید نشده و چشماش اشتباه نمی‌کند؛ اصلان دخترش را روی تخت یکی از بیمارستان‌های عراق دیده‌و این اولین تعلیق داستان است که در همان صفحات اول کتاب رقم می‌خورد. داستان غنیمت از زاویه اول شخص روایت می‌شود و زمان و مکان داستان دائم در حال تغییر است. ما در طول داستان گاهی به گذشته بروی‌گردیم و گاهی در زمان حال هستیم.

گاهی در کوه‌چپس کوه‌ها و نخلستان‌های خرمنشهر قرار داریم و گاهی در دل خاک عراق. در واقع اصلان با دیدن دخترش نقبی به گذشته پر از کابوس زندگی‌اش می‌زند و یاد آن روزهایی می‌افتد که در خرمنشهر بوده و همسر اول او به دست بعتی‌ها می‌افتد و دختر خردسالش هم گم می‌شود. اصلان که دیگر تاب ماندن ندارد به رغم مخالفت‌های همسرش بوش به همراه پسرش پیمان و یک دوست عراقی به نام قادر برای یافتن دخترش عازم عراق می‌شوند.

این خلاصه‌ای بود از رمان غنیمت. داستان غنیمت از چند فصل تشکیل شده است اما برخلاف بسیاری از زمان‌های دیگر، نویسنده کتاب برای فصل‌بندی رمان به جای اعداد، از عنوان‌های مختلفی استفاده کرده و برای هر فصل نامی برگزیده است، درست مثل داستان‌های کوتاهی که ماجراهایش به هم پیوسته باشد و در هر فصل از رمان، مخاطب را با ماجرای جدیدی روبه‌رو می‌کند، مثلاً فصل اول رمان «کابوس» نام دارد و فصل‌های بعدی هم «شلیک موشک‌های کروژ»، «سال تحویل»، «هیب هوشمند» و… رمان غنیمت با توجه به تجارب نویسنده‌اش شروع بسیار خوب و محکمی دارد و در همان صفحه اول مخاطب را با خود همراه می‌کند. داستان از صفحات میانی کتاب پر تعلیق و پرماجرا پیش می‌رود اما در فصل‌های نهایی ناگهان ضرب‌انگ داستان تند می‌شود و داستان حالت گزارش گونه به خود می‌گیرد، انگار که نویسنده برای هر چه زودتر به پایان رساندن داستان عجله دارد، چون دیگر از توصیفات و فضاسازی‌ها و حتی شخصیت‌پردازی مناسب هم خبری نیست.

نویسنده در ابتدای کتاب شخصیت اصلان و پیمان را به خوبی ساخته وپرداخته کرده است، اما یکی از شخصیت‌های کلیدی داستان «قادر» همان کهنه‌سرباز عراقی است که مترجم و راهنمای این پدر و پسر در سفر به عراق است. نویسنده انطوق که باید و شاید شخصیت مرزور و زندگی گذشته او را برای مخاطب نمی‌شکافد و تا پایان داستان این شخصیت که روزگاری اسلحه‌مان را به طرف سربازان ایرانی می‌گرفت و حالا دوست و راهنمای شخصیت اول داستان شده است، در هاله‌ای از ابهام می‌ماند و همچنین از لحظات دستگیری اصلان به دست سربازان امریکایی هم اطلاعات کمی به مخاطب می‌دهد. نویسنده در این کتاب سوز به تعلیق و مهیجی را برای نوشتن انتخاب کرده و داستان از ساختار خوبی هم برخوردار است، کفایت نظر نویسنده در فصل‌های پایانی داستان عجله نمی‌کرد، یکی دیگر از زمان‌های ماندگار جنگ را می‌توانست در تاریخ ادبیات مقاومت ثبت کند. این رمان در ۱۸۶ صفحه توسط انتشارات کتاب نیستان منتشر شده است.

ک خبر

ادامه تصویربرداری

فصل سوم سریال «نون‌خ»

تصویربرداری فصل سوم سریال «نون‌خ» به کارگردانی سعید آقاخانی و تهیه‌کنندگی مهدی فرجی در تهران یا حفظ شیوه‌نامه‌های پیداشستی ادامه دارد. به گزارش «جوان» به نقل از روابط عمومی سریال، تصویربرداری فصل سوم سریال «نون‌خ» از اواسط مهر ماه در تهران آغاز شده و همچنان با حفظ شیوه‌نامه‌های پیداشستی ادامه دارد. هر روز قبل از آغاز تصویربرداری عوامل و بازیگران با حضور پرشک و با دستگاه‌های پزشکی تب و میزان اکسیژن خون آنها بررسی می‌شود و همچنین همه عوامل پشت دوربین باید هنگام حضور در لوکیشن از ماسک استفاده کنند تاکنون ۵۵ درصد از سریال تصویربرداری شده است. سعید آقاخانی، اکبر عبدی، علی صادقی، شقایق دهقان و سیروس میمنت بازیگران این سریال هستند. فصل سوم سریال نون‌خ در ۱۶ قسمت برای پخش در نوروز ۱۴۰۰ از شبکه‌اول سیما ساخته می‌شود.

ک مستند

جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز

مدیرعامل و مدیرمسئول: عبدالله گنجی

سر‌مدیر: غلامرضا صادقیان

آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری

تقاطع میزای شیرازی، پلاک ۲۸۴

سازمان آگهی‌ها: ۸۸۳۴۱۶۵۴

روابط‌عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸ | نامبر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴۴

توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴

چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان

www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۰۶۹ | چهارشنبه ۲۱ آبان ۱۳۹۹ | ۲۵ ربیع‌الثول ۱۴۴۲ | اذان ظهر: ۱۱:۴۸ | غروب آفتاب: ۱۷:۰۰ | مغرب: ۱۷:۱۹ | یوم‌شنب‌شعر:۵:۰۵ | اذان‌صبح‌فردا: ۵:۱۱ | طلوع آفتاب‌فردا:۶:۳۷ |

گفت‌وگوی «جوان» با کارگردان «وانتافه»

طنز خندیدن به لمپنی نیست

شاید اینکە ۹۰دقیقە مخاطب را به گریه وادار کنی

به مراتب راحت‌تر از این باشد که بخواهی او را ۹۰دقیقه بخندانی و با خودت همراه کنی



محمدصادق عابدینی

«وانتافه» عنوان فیلمی تلویزیونی است که هفته گذشت‌ه از شبکه ۳ سیما روی آنتن رفت؛ اثری که محصول خانه تولیدات جوان است و باشگاه فیلم سوروره نیز اجرای طراحی آن را بر عهده داشت. نکته جالب این فیلم البته عوامل **جوان** آن هستند. محمدجواد موحد، محمدحسین امانی و محسن ملکی که تهیه‌کننده، کارگردان و نویسنده اصلی این کار هستند، همگی متولد ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ هستند و این یعنی یا فیلمی طرف هستیم که ترکیب کاملاً جوان آن را تولید کرده‌اند؛ ترکیبی که البته در نخستین تجربه جدی تلویزیونی‌شان کار قابل قبول و امیدوارکننده‌ای را به لحاظ فرم و محتوا ساختند و آن سه‌گانه «جوان» به مسیر سریال‌سازی آنها در تلویزیون امیدوار بود. وانتافه در روایت طنزخود حال و هوایی دارد که جزو موفق‌ترین تجربه‌های تلویزیون در تله‌فیلم به حساب می‌آید. «جوان» به پنهان پخش تلویزیونی این فیلم و درباره مسییر فیلمسازی و همکاری با بازیگران درجه یک سینما و تلویزیون که در این فیلم همکاری داشته‌اند، با محمدجواد امانی ، کارگردان وانتافه گفت‌وگو کرده است.

دیده می‌شدند و بین مردم بازخورد داشتند. ما نام‌های بزرگی در حوزه تله‌فیلم داشتیم، از سیروس مقدم و حمیدفرخ‌زاد تا سعید آقاخانی و شهره لرستانی، واقعیتش نمی‌دانم چرا تله‌فیلم‌ها این طور که پیش از این رونق داشت، الان دیگر مورد توجه نیست، البته به نظر من تصمیم‌گیری بر این شد که تولید این آثار به شهرستان‌ها برود ولی خب نتیجه مشخص است که این کار موفق نبوده و نتوانسته بود به بومی‌سازی که مدنظر تصمیم‌گیران بود، منجر شود.

دوست نداشتید اولین تجربه تان یک فیلم سینمایی باشد؟ مثلاً همین وانتافه را بر پروداکشن سینمایی تولید کنید؟

راستش نه. وانتافه اولین تجربه نیمه‌بلند من بود و دوست‌نداشتم اولین تجربه‌ام با چنین ریسک بزرگی همراه باشد چرا که فیلم سینمایی با فیلم‌های دیگر سینمایی مقایسه می‌شود و این برای من که نخستین تجربه نیمه‌بلند بود می‌توانست خطرناک باشد، ضمن اینکه اساساً فیلمنامه وانتافه را بر اساس قالب تله‌فیلم نوشته بودیم، با همان محدودیت‌ها و ویژگی‌هایی که تله‌فیلم دارد. وانتافا بعد از پخش فیلم هم بعضی دوستان پیشنهاد کردند وانتافه را در برخی سینماها اکران کنیم که هم من و هم آقای موحد مخالفت کردیم چرا که وقتی فیلم روی پرده سینما نقش می‌بندد، باید مختصات سینمایی داشته باشد. ما تصمیم گرفتیم یک تله‌فیلم خوب بسازیم، به یک فیلم سینمایی معمولی یا ضعیف آرزوی بلندپروازانه هم نداشته باشیم.

گروه تولیدکننده این اثر همگی در باشگاه فیلم سوروره وارد فرآیند فیلمسازی شده، چطور است که همکاری با این مجموعه را چند سال ادامه داده و تبدیل به یک گروه

حکمت

امام حسن عسکری (ع):

عبادت کردن به زیادی روزه و نماز

نیست بلکه (حقیقت) عبادت، زیاد

در کار خداوندیشیدن است.

(تحف العقول، ص ۴۴۸)

منسجم شده‌اید؟

من با خیلی از مجموعه‌های فرهنگی کار کرده‌ام که موفق هم بوده‌اند ولی در زمینه تربیت نیروی کیفی فیلمسازی، من هیچ مجموعه‌ای را به دغدغه‌مندی و کار تخصصی مانند باشگاه فیلم سوروره ندیده‌ام. برای مجموعه‌های دیگر بیشتر تولید اثر و کیفیت محصول مهم است، ولی برای باشگاه فیلم سوره آدم‌هایی که فیلم می‌سازند، اهمیت بیشتری دارند. خیلی وقت‌ها باشگاه ممکن است برای تکمیل فرآیند رشد یک فیلمساز کاری را بکند که هر چند تجربه مهم و ارزشمندی برای فیلمساز است، اما لزوماً منجر به تولید یک اثر درجه یک نشود ولی چون این تجربه می‌تواند منجر به رشد فیلمساز شود، باشگاه این حمایت را انجام می‌دهد. این اتفاق در سایر مجموعه‌ها چندان اتفاق نمی‌افتد چرا که برایشان محصول مهم است.

کار طنز خیلی حساس است و ممکن است مخاطب خیلی زود آن را پس بزند. از این تجربه تشر نسیدید که مثلاً متهم به یک فیلم بی‌مسک یا لوس بشوید؟

طنز ساختن و خنداندن مردم کار خیلی سختی است. این را بعد از تجربه وانتافه بیشتر از قبل درک کردم. من قصد بی‌مهری به سایر آثارها ندارم، ولی مثلاً سال گذشته در جشنواره فجر فیلمی اکران شد که از ترکیب چند شخصیت کودک و تعدادی صحنه دلخراش استفاده کرده بود و مخاطب را به گریه می‌انداخت. اینکە ۹۰ دقیقه مخاطب را به گریه وادار کنی به مراتب راحت‌تر از این است که بخواهی مخاطب را ۹۰ دقیقه بخندانی و باخودت همراه کنی، چون که هر لحظه مخاطبان ممکن است از کار تو بدشان بیاید، به نظر لوس نباید و دیگر دنبال نکنند. تازه همین کار هم با استفاده از شوخی‌های غیراخلاقی بسیار راحت‌تر انجام می‌شود، کافی است حداقل استعدادی داشته باشی و چندین شوخی لمپنی یا غیراخلاقی را ردیف کنی. خب مخاطب می‌خندد ولی کار سخت آنجاست که بخواهی از عناصر طنز به طور درست استفاده کنی، شوخی‌های تمیزی به کاربری و با اینها بتوانی مخاطب را بخندانی. این کار خیلی سخت است و اتفاقاً محدودیت‌های معمول صداوسیما باعث می‌شود شوخی‌ها و موقعیت‌های طنزی‌را استفاده کنی که از آن دست شوخی‌های ناشایست نباشد و این محدودیت برای یک کارگردان طنز خنده خوبی است ولی در مجموع خنداندن مخاطب عام خانواده‌های معمول آن هم از شوخی‌های سالم و شریف انصاف کار سختی است.

الان که خیلی طنز‌ها استوار بر شوخی‌های غیراخلاقی یا لمپنی است…

بله. ما در وانتافه از جمله جواد موحد که تهیه‌کننده بود و محسن ملکی و مهدی طاهر که نویسندگان کار بودند و هم خود من کاملاً مراقب بودیم نزدیک به بعضی مدل شوخی‌ها نشویم و اگر هم سر صحنه یکی از بازیگران به این سمت می‌رفت، محکم می‌ایستادیم که شوخی‌ها به سمت بدی نرود.

نما حسین کشکار



در گفت‌وگوی «جوان» با یک بازیگر پیشکسوت مطرح شد

بازیگری از خطرناک‌ترین مشاغل دوران کرونا



زندگی در دوران کرونا ادامه دارد ولی به سختی و این سخت‌تر شدن به معنای آن است که باید بیشتر از قبیل حواسمان به همنوعان باشد.

محمود نظرعلیان بازیگر باتجربه با بیان این مطلب به «جوان» گفت: سال قبل و پیش از شیوع کرونا در کارهای مختلفی حضور داشتم و از جمله آنها فیلم «پوست» بردارن ارک بود ولی بعد از کرونا، کاری نکردم چون هم پیشنهادات کاری کم شده و هم خطرات ابتلا به کرونا در پشت‌صحنه‌ها بالاتر است. بازیگر «چند کیلو خرما برای مراسم تدفین» ادامه داد: ستاد کرونا درباره ادامه تولیدات نمایشی هشدار داده است ولی عوامل پروژه‌ها نیز گرفتاری‌های مالی دارند و می‌دانند اگر کار نکنند ممکن است درسرهای‌شان در زندگی بیشتر شود، از همین رو خطر را به جان می‌خرند و جلوی دوربین می‌روند. نظرعلیان تأکید کرد: تقریباً تمامی مشاغل امکان استفاده از ماسک را دارند ولی بازیگران مجبورند جلوی دوربین بدون ماسک ظاهر شوند که این، خودش خطر ابتلا را بالا می‌برد، به بیان بهتر یکی از خطرناک‌ترین مشاغل در دوران کرونا، بازیگری است.

بازیگر «مفوقی‌نیم» افزود: در کشور ما متولیان فرهنگ را داده‌اند که در عمل تاین تاریخ فقط در حد حرف باقی مانده است و بسیاری از هنرمندان گرفتاری‌های اقتصادی متعدد دارند و چون روسا یا هیئت مدیره‌های خانه سینما و خانه تئاتر افراد قدرتمندی نیستند که بتوانند با رایزنی، تسهیلات را به سمت هنرمندان بیاورند، پس نتیجتاً مشکلات هنرمندان ادامه دارد.

بازیگر «تمشک» و «سزیده ۵۹» خاطر نشان کرد: تقریباً

نگارش سریال حضرت معصومه(س) از نیمه گذشت

همچنین مجتبی امینی تهیه‌کننده سریال حضرت معصومه(س) از انعقاد قرارداد با مرکز سیمافیلم برای تولید این پروژه در رده آلف و بیز خبر داد. تهیه‌کننده حضرت معصومه(س) به کارگردانی جواد افشار، سریال‌کنده‌گی مجتبی امینی و نویسندگی مشترک جواد افشار و حمید رسول‌پوریانگیز زندگی حضرت معصومه(س) است که در ۳۰قسمت در حال نگارش است.

ک جیبه جادو

۲هزارو۹۰۰ کیی از ایده ساده یک مسابقه تلویزیونی

خاطرهانگیزی «مسابقه محله» ۳۰ساله شد



مسعودروشن‌پژوه‌مجری، تهیه‌کننده‌وکارگردان تلویزیونی می‌گوید تا امروز بیش از ۲هزارو۹۰۰برنامه تلویزیونی از روی برنامه تلویزیونی «مسابقه محله» تولید شده است.

روشن‌پژوه در مورد طرحی که برای ۹۹/۹۹ از ذهن داشت، گفت: این تاریخ سعی امین سال اجرای یک مسابقه تلویزیونی در تاریخ تلویزیون است و همینطور تا این تاریخ ۲هزارو ۹۰۰برنامه تلویزیونی از جنس مسابقه محله ساخته شده است، بنابراین برای این تاریخ برنامه، یزی کرده بودم تا مخاطب‌هایی که در آن سال در برنامه‌ام حضور داشتند را دعوت و با آنها صحبت کنم.

وی در مورد نحوه پیدایش فکر و ایده مسابقه محله افزود: این فکر و ایده آقای امیر سموات بود که در حال حاضر کارگردان سینماست.

سموات برای مسابقه جدید تست مجری‌گری گذاشته بود و ۷۰-۶۰ نفر آمده بودند و من هم رفته بودم تا چک سریالی را که در آن بازی کرده بودم از او بگیرم. روشن‌پژوه ادامه داد: حین نوشتن چک در پارک ساعی سموات به من گفت میکروفن را بگیر و با پسر بچه‌ای که در پارک است مصاحبه کن، خلاصه اینکه طرح اولیه این مسابقه در اینجا شکل گرفت و بنا را بر این گذاشتند که در قالب کودک و نوجوان پنجسریه‌ای را از قاپ تلویزیون در عمل‌های که مسردم زندگی می‌کنند، باز کنند.

مجری برنامه «مسابقه محله» خاطر نشان کرد: در حقیقت قاب دوربین روی محله‌هایی بود که مردم در آن زندگی می‌کردند

و همین باعث شد بچه‌ها با این برنامه هذات پنداری کنند، به طوری که شیطنت کودک‌ن، بازی‌هایشان، صحبت‌های پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌هایشان روی آنتن بود.

روشن‌پژوه در آخر در مورد نحوه برنامه‌سازی برای مخاطب نسل جدید که هوشمندتر شده و ذائقه‌اش تغییر کرده است، گفت: در دهه ۶۰انتظارات مردم خیلی محدود بود و مردم دنبال تجملات نبودند و ساده‌زیست بودند، اما در حال حاضر هم با تغییر همه شرایط زندگی، کسانی هستند که مواردی

به آن زندگی می‌کنند. وی در پایان گفت: الگوی بچه‌ها بزرگ‌ترهایشان و همواره به دنبال یک زندگی آرام و بدون دغدغه هستند، اما در این بین ناخودآگاه وارد بازی بزرگ‌ترها می‌شوند و اینجاست که بچه‌ها زیاده‌خواه می‌شوند و دیگر هیچ چیز توقع‌ها و آرزوهایشان را برآورده نمی‌کند.